



بررسی اهمیت و جایگاه هریک از صنایع کشور و مقایسه آن‌ها با سایر صنایع یکی از موضوعات مهمی است که در سطح کشور مورد توجه مسئولان قرار گرفته است و نظر به اینکه بخش صنعت توانایی بالقوه جهت رشد سایر بخش‌ها را دارد لذا شناسایی شاخه‌هایی از فعالیت‌های صنعتی کشور که قابلیت توسعه سریع‌تر را داشته و بتوانند محرک سایر فعالیت‌های صنعتی کشور باشند یکی از مسائلی است که با عنایت به محدودیت منابع مالی در کشور باید به آن توجه کرد.

بنابراین این مقاله سعی دارد تا به کمک بیست و یک شاخص مرتبط با موضوع، صنایع با کدهای چهار رقمی ISIC (ویرایش سوم) را که اطلاعات آنها از مرکز آمار ایران طی دوره زمانی (۱۳۷۹-۱۳۸۴) اخذ شده از طریق روش تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی رتبه‌بندی نماید. نتایج بیانگر این است که طی دوره مذکور در میان صنایع همگن کشور تولید محصولات اساسی مسی (کد ۲۷۲۱)، تولید و تعمیر انواع کشتی (کد ۳۵۱۱) بیشترین درجه برخورداری را کسب نمودند. این مقاله همچنین به تغییرات ساختاری صنایع با کدهای دو رقمی ISIC می‌پردازد. نتایج به دست آمده از شاخصهای تحلیل ساختاری نشان می‌دهد که گرایش به سمت تولید فعالیت‌های صنعتی از قبیل: ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده، وسایل نقلیه موتوری تریلر و نیم تریلر، تولید سایر وسایل حمل و نقل، فلزات اساسی، محصولات فلزی فابریکی، محصولات کانی غیر فلزی، محصولات شیمیایی و ساخت کک و فرآورده‌های نفتی در طی دوره مذکور بیشتر مشاهده گردیده است.

مقدمه

کشورها، با گسترش صادرات مواد معدنی و منابع طبیعی مانند نفت، درآمدها افزایش پیدا کرده است. اما در بلندمدت برای حفظ روند رشد به صورت پایدار، قطعا اقتصاد مبتنی بر یک صنعت پویا مورد نیاز است. (نیلی، ۱۳۸۴، ص ۱۶)

کشورها، با گسترش صادرات مواد معدنی و منابع طبیعی مانند نفت، درآمدها افزایش پیدا کرده است. اما در بلندمدت برای حفظ روند رشد به صورت پایدار، قطعا اقتصاد مبتنی بر یک صنعت پویا مورد نیاز است. (نیلی، ۱۳۸۴، ص ۱۶)

از آنجا که امروزه صنعت نقش عمده‌ای را در تولید و اشتغال بر عهده دارد و همزمان بخش عمده‌ای از صادرات را نیز به خود اختصاص داده است و در همان حال ورودی سایر بخش‌های اقتصاد را نیز فراهم می‌سازد، لذا نیاز به تدوین استراتژی صنعتی و توجه به صنعت الزامی می‌باشد. باید تاکید کرد که صنعتی شدن لزوماً تنها راه دستیابی به رشد سریع در درآمد سرانه نبوده و در بسیاری از

این مقاله می‌پردازد که خود شامل سه قسمت است: یکی روش‌های اولویت‌بندی صنایع با استفاده از نگرش تحلیل عاملی، تاکسونومی عددی و دیگری روش‌های تحلیل ساختار صنعتی و در بخش پنجم به شاخص‌های تعیین‌کننده اولویت‌های صنعتی اشاره خواهد شد و در بخش ششم مقاله حاضر به بررسی نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است که این بخش شامل دو قسمت می‌باشد: قسمت اول مربوط به نتایج تحلیل

عاملی و تاکسونومی عددی است و در قسمت دوم این بخش نیز می‌توان نتایج حاصل از جهت گیری تغییرات ساختاری صنایع کشور را دنبال کرد و در نهایت در بخش هفتم این مقاله به نتیجه‌گیری و پیشنهادات می‌پردازیم.

مبانی نظری موضوع

فرآیند تولید صنعتی که فرآیندی فنی- انسانی- اجتماعی است، از نظر اقتصادی نیز (به ویژه در سطح کلان و در بلند مدت) از ویژگی‌هایی برخوردار است که تحت عنوان نقش صنعت در رشد و توسعه اقتصادی مورد بحث اقتصاددانان و اندیشمندان مختلف قرار گرفته است. به طور تقریبی تاریخ توسعه یافتگی با صنعتی شدن منطبق بوده و در همه قرون اخیر، صنعتی شدن با توسعه یافتگی و رشد اقتصادی و اجتماعی همراه بوده است، به نحوی که بسیاری از متفکران توسعه این دو را یکی دانسته و آغاز حرکت صنعتی شدن را نشانه حرکت در مسیر بلند مدت توسعه دانسته‌اند. اگر چنین تحلیلی را

ب) سؤالات تحقیق:

هدف این مقاله پاسخگویی به سؤالات زیر است:

1. جهت‌گیری ساختار صنعتی کشور مبتنی بر کدام فعالیت‌های صنعتی است؟
2. رتبه‌بندی فعالیت‌های صنعتی در کل کشور از نظر شاخص‌های مورد بررسی در دوره زمانی (۱۳۷۹-۱۳۸۴) نسبت به هم چه تغییراتی یافته است؟

شاخص‌های تعیین کننده اولویت‌های صنعتی

شاخص‌های مورد بحث در این تحقیق را می‌توان به شرح زیر تعریف نمود:

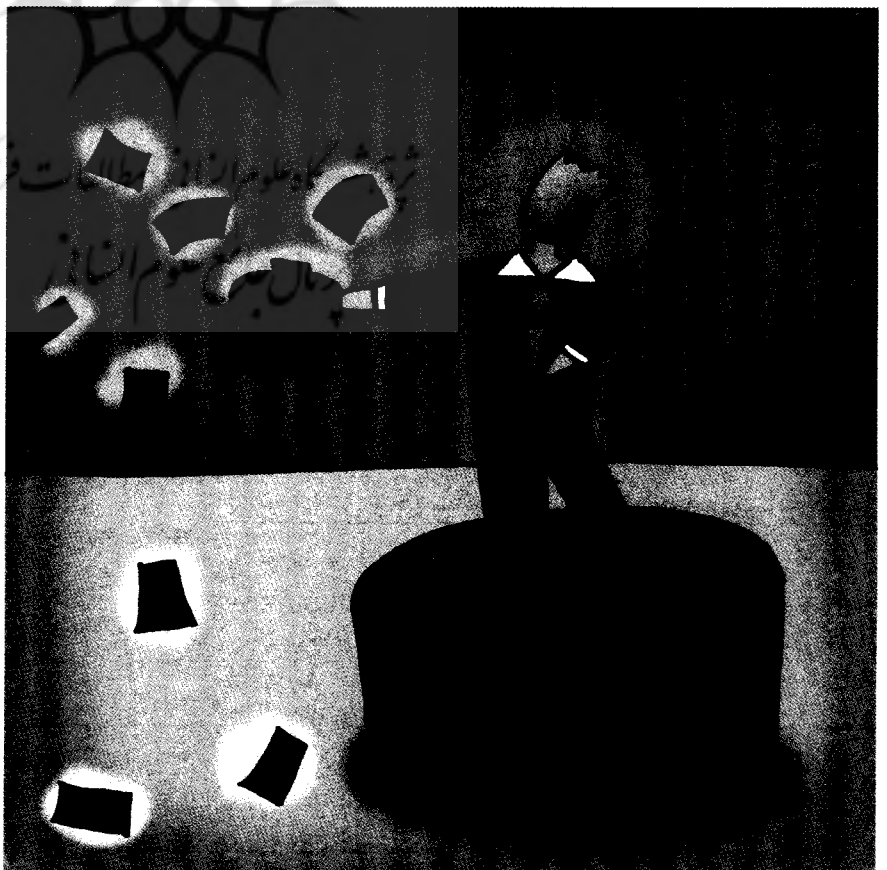
1. شاخص سهم در ارزش افزوده صنعتی یا سهم ارزش افزوده هر صنعت به کل ارزش افزوده کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور.
2. شاخص سهم در تعداد کارگاه‌های صنعتی یا نسبت تعداد کارگاه‌های هر فعالیت صنعتی به کل کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور.
3. شاخص سهم در اشتغال صنعتی یا سهم اشتغال هر صنعت به کل اشتغال کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور.
4. شاخص بهره‌دهی تولیدات یا نسبت ارزش افزوده به ارزش تولیدات هر صنعت.
5. تولید سرانه شاغلین یا نسبت ارزش ستانده به کل شاغلین هر صنعت.
6. شاخص سهم شاغلان دارای سطح تحصیلات دانشگاهی یا نسبت تعداد شاغلین دارای تحصیلات دانشگاهی به کل شاغلین در هر فعالیت صنعتی.
7. شاخص سهم صادرات از تولید یا نسبت ارزش صادرات مستقیم به کل ارزش تولیدات هر فعالیت صنعتی.
8. شاخص سهم فروش از تولید یا نسبت کل ارزش فروش به کل ارزش تولیدات هر فعالیت صنعتی.
9. شاخص درجه وابستگی به مواد اولیه خارجی یا نسبت ارزش مواد اولیه خارجی مصرفی به کل ارزش مواد اولیه مصرفی در هر فعالیت صنعتی.

مقرون به واقع ندانیم، دست کم باید گفت که صنعتی شدن در مفهوم جامع و گسترده خود که بیانگر تحول از نظام سنتی به نظام تولیدی است، مهمترین عامل توسعه یافتگی به شمار می‌رود. اصولاً «ساختار یک صنعت و تغییرات آن از دو مؤلفه ساختار فنی صنعت و ساختار بازار صنعت تشکیل شده است. وقتی از ساختار فنی صنعت صحبت می‌کنیم بیشتر توجه به شرایط فنی است که منجر به حداکثر تولید ممکن با ترکیب عوامل تولید به نحوی که بیشترین کارایی را داشته باشد برمی‌گردد. در واقع ساختار صنعتی در رابطه با اینکه تابع تولید تابعی سرمایه بر، کاربر و یا تکنولوژی بر خواهد بود، ترکیب و تنوع تولید را تعیین می‌کند.

الف) اهداف تحقیق:

اهداف اساسی این تحقیق عبارت است از:

1. رتبه‌بندی صنایع کشور با توجه به درجه برخورداری بدست آمده.
2. شناسایی صنایع اولویت‌دار (با توجه به درجه برخورداری به دست آمده) در سطح کشور در طی دوره زمانی (۱۳۷۹-۱۳۸۴).





۱۷. شاخص سود آوری یا سرانه نیروی کار یا نسبت ما به التفاوت هزینه و درآمد به تعداد شاغلین هر فعالیت.

۱۸. شاخص نسبت درآمد به هزینه‌ها یا نسبت ارزش کل ستانده‌ها به کل هزینه‌ها.

۱۹. شاخص بهره‌دهی مواد اولیه مصرفی یا نسبت ارزش افزوده به مواد اولیه مصرفی.

۲۰. شاخص قدرت رقابت یا نسبت بهره‌وری نیروی کار به هزینه نیروی کار هر فعالیت صنعتی.

۲۱. شاخص درجه وابستگی به مواد اولیه داخلی یا نسبت ارزش مواد اولیه داخلی مصرفی به کل ارزش مواد اولیه مصرفی در هر صنعت.

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها

نتایج حاصل از روش‌های تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی: در این بخش از مقاله، سعی شده است تا با استفاده از روش‌های تفیقی تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی به همراه بیست و یک شاخص مرتبط با موضوع تحقیق که در بخش قبل معرفی شده‌اند به یکی از اهداف تحقیق که همانا شناسایی صنایع اولویت‌دار و رتبه‌بندی صنایع کشور با توجه به درجه برخورداری می‌باشد دست یافت. در اولین مرحله، ماتریس داده‌های اولیه به کمک شاخص‌های انتخابی تشکیل و مقادیر شاخص‌های مذکور پس از استاندارد شدن به عنوان ورودی روش تحلیل عاملی مورد استفاده قرار گرفته‌اند و سپس مراحل مختلف رتبه بندی و دامنه همگنی صورت می‌گیرد. در همین راستا، مراحل بعدی روش، یعنی مرحله استخراج عوامل موقت، چرخش عوامل موقت و محاسبه نمره‌های عاملی به واسطه نرم افزار رایانه‌ای SPSS اجرا گردیده‌اند. در این مقاله به منظور شناسایی و تفکیک صنایع همگن و غیرهمگن با توجه به تشکیل فواصل همگنی، روش تحلیل عاملی طی چندین مرحله برای سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۷۹ صورت پذیرفت و سپس از طریق محاسبه فراوانی نسبی تراکمی درجه برخورداری، صنایع همگن رتبه بندی شده را به چهار گروه که تحت عنوان گروه صنایع اولویت‌دار اول تا چهارم شناخته می‌شوند تقسیم می‌کنیم. جدول اولویت‌های چهارگانه صنایع همگن کشور در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۷۹ در جدول شماره (۱) و (۲) پیوست آورده شده است.

نتایج حاصل از جهت‌گیری تغییرات ساختاری صنایع کشور

با توجه به مطالب عنوان شده در روش شناسی تغییرات ساختاری که در بخش روش تحقیق و اطلاعات گردآوری شده از متغیرهای ارزش افزوده و اشتغال صنایع ۲۳گانه کشور که از مرکز آمار ایران استخراج شده است، تغییرات ساختاری صنایع کشور را از لحاظ متوسط شاخص تغییرات ساختاری کشور همراه با منحنی‌های تارنکبوتی آن توضیح خواهیم داد و اطلاعات مربوط سهم هر یک از صنایع از نظر ارزش افزوده و اشتغال در کشور در جدول شماره (۳) پیوست آورده شده است.

۱۰. شاخص بهره‌وری نیروی کار یا نسبت ارزش افزوده به شاغلین هر فعالیت صنعتی.

۱۱. شاخص سهم سرمایه ثابت ناخالص هر فعالیت صنعتی یا نسبت سرمایه ثابت ناخالص هر فعالیت صنعتی به کل سرمایه ثابت ناخالص فعالیت‌های صنعتی کشور.

سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص عبارت است از: تغییرات ایجاد شده در ارزش اموال سرمایه‌ای (ارزش خرید یا تحصیل و هزینه تعمیرات اساسی منهای ارزش فروش یا انتقال اموال سرمایه‌ای)

۱۲. شاخص سهم کارگاه‌ها با مالکیت خصوصی یا نسبت تعداد کارگاه‌های دارای مالکیت خصوصی به کل کارگاه‌های فعال در هر فعالیت صنعتی.

۱۳. شاخص سرمایه بری یا تفاضل دستمزد سرانه از ارزش افزوده سرانه هر فعالیت صنعتی.

۱۴. شاخص سهم شاغلین تولیدی از کل شاغلین در هر فعالیت صنعتی.

۱۵. شاخص بهره‌دهی انرژی یا نسبت ارزش افزوده به ارزش انرژی مصرفی هر فعالیت صنعتی.

۱۶. شاخص سهم سرمایه‌گذاری هر فعالیت صنعتی یا نسبت سرمایه‌گذاری هر فعالیت صنعتی به کل سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های صنعتی کشور (سرمایه‌گذاری عبارت است از: مجموع سرمایه‌گذاری ثابت و سرمایه‌گذاری در موجودی انبار)

شامل بخش‌های: ۱، ۴، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ۲۳ دارای مقدار IE بزرگتر از یک هستند و سهم اشتغال این گونه بخش‌ها نسبت به سال پایه از رشد بالاتری برخوردار بوده است.

بخش‌های ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۱، ۲۲، ۲۰، ۲۳ با توجه به نمودار تار عنکبوتی شماره (۲) پیوست یعنی تغییرات ساختاری صنایع کشور از نظر اشتغال طی دوره (۱۳۷۹-۱۳۸۴)، افزایش سهم اشتغال را نسبت به سال پایه تجربه نمودند و از نظر اشتغال نسبت به سال پایه رتبه اول تا سوم به ترتیب مربوط به بخش‌های ۲۳، ۲۱ و ۲۰ می‌باشد و در مقایسه با سایر صنایع از رشد اشتغال بالاتری نسبت به سال پایه برخوردار بوده‌اند و مقادیر اشتغال آنها نسبت به سال پایه به ترتیب: ۳۱۷، ۱۸۹ و ۱۸۵ می‌باشد و کمترین میزان اشتغال در مقایسه با سایر صنایع مربوط به صنعت دباغی و عمل‌آوری چرم یعنی بخش (۵) می‌باشد که مقدار اشتغال آن نسبت به سال پایه رقم ۵۸ می‌باشد و ضمناً « این صنعت همان طور که بیان شد کمترین IE را در میان صنایع کشور به خود اختصاص داده است. صنایع دارای IE بزرگتر از یک در مجموع ۵۳/۴۶ درصد از اشتغال مربوط به سال ۱۳۷۹ را تشکیل داده‌اند که این رقم در سال ۸۴ به مقدار ۶۵/۲۷ درصد افزایش پیدا کرده است. بخش ۲۳ اگر چه سهم ناچیزی در جدول مربوط به درصد سهم اشتغال از کل اشتغال صنایع کشور را دارد ولی در نمودار تار عنکبوتی به عنوان پیش‌تاز تغییرات ساختاری اشتغال نسبت به سال پایه قرار دارد و همان طور که گفته شد، بالاترین IE نیز به این صنعت تعلق گرفته است.

محاسبه درجه و جهت تغییرات ساختاری

درجه تغییرات ساختاری صنایع کشور طی دوره (۱۳۸۴-۱۳۷۹) برابر ۸۴/۰۵ درجه بوده است که بیانگر تغییرات شدید در ساختار صنعت کشور می‌باشد و به عبارت دیگر پراکندگی فعالیت‌های صنعتی کشور بیشتر می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نتیجه‌گیری به طور کلی، براساس نتایج به دست آمده، صنایع همگن به دو گروه قابل تفکیک می‌باشند:

- گروه اول صنایعی که به دلیل عملکرد نسبتاً با ثبات خویش در هر دو مقطع، جایگاه خود را در گروه‌های چهارگانه تثبیت نموده‌اند و تغییر رتبه آنها صرفاً محدود به داخل گروه مربوطه می‌باشد. لیکن به دلیل آنکه ذکر فهرست مشترکات فهرست‌های اولویت‌دار صنایع کشور در دو مقطع زمانی موجب طولانی شده بحث می‌گردد، لذا به مشترکات فهرست اول صنایع کشور در دو مقطع زمانی، اشاره خواهد شد.

جدول زیر مشترکات فهرست اول صنایع کشور در دو مقطع مورد بررسی را خاطر نشان می‌سازد. همانگونه که ملاحظه می‌گردد، تعداد چهارده صنعت جایگاه خود را به عنوان اولویت

تجزیه و تحلیل آمار صنایع ۲۳ گانه کشور نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۹ بیش از ۷۳ درصد و در سال ۱۳۸۴ بیش از ۷۵ درصد ارزش افزوده در شش بخش عمده صنعتی کشور یعنی بخش (۱) مواد غذایی و آشامیدنی، بخش (۹) تولید ذغال کک و فرآورده‌های نفتی، بخش (۱۰) تولید محصولات شیمیایی، بخش (۱۲) صنایع کانی غیر فلزی، بخش (۱۳) فلزات اساسی و بخش (۲۰) وسایل نقلیه موتوری تریلر و نیم تریلر ایجاد شده است و جالب این جاست که صنایعی چون بازیافت، پوشاک و ماشین‌آلات اداری از کمترین سهم ارزش افزوده برخوردار بوده‌اند. از آنجایی که گفته می‌شود بیش از ۷۰ درصد کل ارزش افزوده در صنایع کشور در شش بخش عمده نامبرده شده در بالا ایجاد می‌شود. در واقع بخش‌های عمده‌ای که سهم بالای ارزش افزوده را به خود اختصاص داده‌اند در سال ۷۹ رقم ۵۷/۸۷ درصد و در سال ۸۴ رقم ۵۱/۶۱ درصد را از نظر اشتغال به خود اختصاص داده‌اند و در واقع بخش‌های عمده‌ای که سهم بالای ارزش افزوده را به خود اختصاص داده‌اند (بیش از ۷۰ درصد) می‌توانند بخش قابل ملاحظه‌ای از اشتغال صنعتی را نیز ایجاد نمایند و با یک نگاه سرانگشتی می‌توان عدم وجود تضاد بین ارزش افزوده و اشتغال را حداقل در بین صنایع ۲۳ گانه مشاهده نمود. در بین فاصله زمانی (۱۳۷۹-۱۳۸۴) در بین صنایع کشور هفت بخش دارای متوسط شاخص تغییرات ساختاری بیشتر از یک می‌باشند به عبارت دیگر تغییرات ساختاری در این بخش‌ها از متوسط کل کشور بیشتر بوده است. این فعالیت‌های صنعتی شامل: تولید پوشاک (کد ۱۸)، تولید فلزات اساسی (کد ۲۷)، تولید ماشین‌آلات مولد و انتقال برق (کد ۳۱)، تولید وسایل نقلیه موتوری تریلر و نیم تریلر (کد ۳۴)، تولید سایر وسایل حمل و نقل (کد ۳۵)، تولید مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده (کد ۳۶)، بازیافت (کد ۳۷) هستند.

نمودار تار عنکبوتی شماره (۱) جهت‌گیری تغییرات ساختار صنعتی را در بین صنایع ۲۳ گانه کشور از دیدگاه ارزش افزوده به تفکیک کدهای دو رقمی نشان می‌دهد در این نمودارها با یک تبدیل یکنواخت ارزش افزوده سال پایه تبدیل به عدد ۱۰۰ و سال مورد نظر برحسب آن محاسبه و به صورت بردار نشان داده شده است. صنایعی نظیر تولید سایر وسایل حمل و نقل (کد ۳۵)، صنعت بازیافت (کد ۳۷)، تولید مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده (کد ۳۶) و صنعت پوشاک (کد ۱۸) در رتبه‌های اول تا چهارم از نظر ارزش افزوده در نمودار تار عنکبوتی جای گرفته‌اند و مقادیر ارزش افزوده آنها نسبت به سال پایه به ترتیب: ۶۹۵، ۶۶۲، ۵۳۷ و ۴۲۰ می‌باشد و صنعت تولید رادیو و تلویزیون (کد ۳۲) در مقایسه با سایر صنایع کمترین مقدار ارزش افزوده را نسبت به سال پایه دارد که بیانگر کاهش توان تولیدی این صنعت است.

شاخص متوسط تغییرات ساختاری مطابق با روش IE که در جدول شماره (۳) آورده شده است نشان می‌دهد که ۱۳ بخش

تعداد صنایع در طی دوره مورد بررسی تغییر نیافته است و تعداد بیست و هشت صنعت در طی این دو مقطع در این گروه جای گرفته است.

– گروه دوم مشتمل بر صنایعی است که تغییر رتبه و جایگاه آنها فراتر از محدوده اولویت‌های مربوطه بوده است؛ لیکن به دلیل آنکه ذکر تغییرات تمامی آنها در این نوشتار امکان‌پذیر نمی‌باشد، صرفاً به صنایعی که تغییرات زیادی از خود نشان داده‌اند، اشاره خواهد شد.

صنایع تولید و تعمیر انواع کشتی، تولید فرآورده‌های لبنی، تولید کود شیمیایی و ترکیبات ازت، تولید سایر تجهیزات الکتریکی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر، تولید پوشاک به استثنای پوشاک از پوست خردار، تولید موتورهای برق و ژنراتور و ترانسفورماتور، تولید سیم و کابل عایق‌بندی شده، تولید ابزارهای اپتیکی و تجهیزات عکاسی، تولید انواع موتورسیکلت، تولید مبلمان، تولید سایر ماشین‌آلات با کاربرد عام، تولید قالی و قالیچه دستباف، ریخته‌گری آهن و فولاد، تولید ماشین‌آلات متالورژی – ذوب فلز که رتبه‌بندی این صنایع در سال ۱۳۸۴ نسبت به ۱۳۷۹ بهبود یافته است که خود را در لیست صنایع اولویت اول جای داده‌اند. همچنین مزیت تولیدی صنایع کشور در طی دوره ۸۴-۱۳۷۹ دستخوش تغییرات چشم‌گیری شده است به طوری که از مزیت و اهمیت این تولیدات کاسته شده است. جدول مربوط به این صنایع در زیر آمده است.

جدول (۵):

رتبه سال ۱۳۸۴	اولویت سال ۱۳۸۴	رتبه سال ۱۳۷۹	اولویت سال ۱۳۷۹	نام فعالیت صنعتی	کد
۹۲	سوم	۳	اول	عمل آوری و حفاظت ماهی و فرآورده‌های ماهی و سایر حیوانات از فساد	۱۵۱۲
۳۶	دوم	۵	اول	عمل آوری و حفاظت میوه‌ها و سبزی‌ها از فساد	۱۵۱۹
۴۵	دوم	۶	اول	بریدن و شکل دادن و تکمیل سنگ	۲۶۹۶
۵۳	دوم	۱۲	اول	تولید سایر ماشین‌آلات با کاربرد خاص	۲۹۲۹
۶۷	سوم	۱۸	اول	آماده‌سازی و آرد غلات و حبوبات	۱۵۳۱
۹۶	چهارم	۱۹	اول	تولید انبارها و بیل‌ها و باتری‌های اولیه	۳۱۴۰
۴۱	دوم	۲۱	اول	تولید نان شیرینی و بیسکویت و کیک	۱۵۴۶
۶۸	سوم	۲۲	اول	تولید الیاف مصنوعی	۲۴۳۰

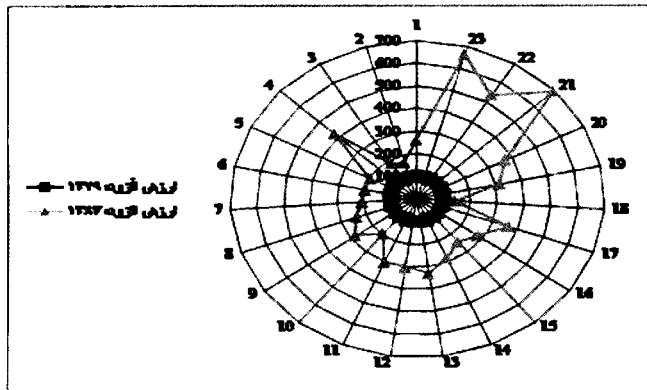
اول حفظ نموده‌اند، لذا به دلیل اینکه صنایع اولویت اول دارای اولویت بالا بعد از صنایع غیر همگن کشور می‌باشند، می‌توان نتیجه گرفت که صنایع مذکور جایگاه برتر خود را در بین تمام فعالیت‌های صنعتی کشور تثبیت نموده‌اند و لیکن شایان توجه است که اظهار این مطلب به معنای آن نیست که صنایع ذیل عاری از هرگونه مشکل هستند، چرا که علیرغم این موقعیت مساعد با موانع و تنگناهای عدیده‌ای مواجه بوده که نیازمند توجهات ویژه، خصوصاً از سوی سیاستگذاران بخش صنعت می‌باشد. سایر فعالیت‌ها، در سال ۱۳۸۴ در فهرست اولویت اول قرار نگرفتند. همچنین تعداد سی و دو صنعت در سال ۷۹ در زمره صنایع اولویت اول بوده‌اند که بر تعداد این صنایع در گروه صنایع اولویت اول در سال ۱۳۸۴ افزوده شده و به رقم سی و پنج رسیده است.

جدول (۴): صنایع مشترک در فهرست اولویت اول در دو مقطع مورد مطالعه

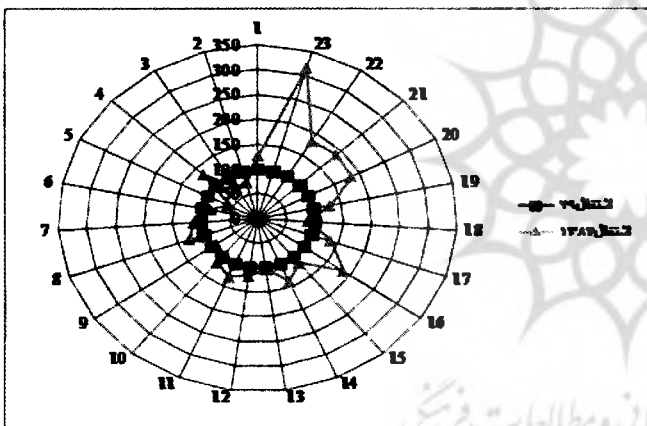
رتبه فعالیت	نام فعالیت صنعتی		کد
	سال ۱۳۸۴	سال ۱۳۷۹	
۷	۲	تولید مواد شیمیایی به جزء کود و ازت	۲۴۱۱
۱۷	۴	تولید صابون و مواد پاک‌کننده	۲۴۲۴
۳۰	۷	تولید فلزات گران بها	۲۷۲۳
۴	۸	تولید فرستنده‌های تلویزیونی	۳۲۲۰
۲۲	۱۰	تولید ماشین‌آلات اداری و حسابرگر	۳۰۰۰
۱۴	۱۱	تولید ماشین‌آلات کشاورزی و جنگل‌داری	۲۹۲۱
۳	۱۳	تولید دارو و مواد شیمیایی مورد استفاده در پزشکی	۲۴۲۳
۱۲	۱۵	تولید سایر محصولات گلی و سرامیکی	۲۶۹۸
۵	۱۶	تولید سایر محصولات فلزی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۲۸۹۹
۲۶	۱۷	تولید محصولات ساخته شده از بتن و سیمان و گچ	۲۶۹۵
۲۴	۲۰	تولید فرش ماشینی و موکت	۱۷۲۶
۲۱	۲۷	تولید گیرنده‌های تلویزیونی	۳۲۳۰
۸	۲۹	تولید دستگاه‌های توزیع و کنترل نیروی برق	۳۱۲۰
۱	۳۲	تولید و تعمیر انواع کشتی	۳۵۱۱

با مقایسه صنایع اولویت دوم در دو مقطع ۷۹ و ۸۴ متوجه می‌شویم که تعداد سی صنعت در سال ۷۹ در این گروه قرار داشتند که در سال ۸۴ به تعداد سی و یک صنعت افزایش یافته است و همچنین نه صنعت توانسته‌اند طی دوره ۸۴-۱۳۷۹ همچنان در اولویت دوم جای بگیرند و در سال ۱۳۷۹ تعداد صنایع اولویت سوم بیست و نه بوده که در سال ۸۴ این رقم به تعداد سی و یک افزایش یافته است ولی در گروه اولویت چهارم

نمودار شماره (۱):
ساختار صنعتی کشور از نظر ارزش افزوده طی دوره
(۱۳۷۹-۸۴)



نمودار شماره (۲):
ساختار صنعتی کشور از نظر اشتغال طی دوره
(۱۳۷۹-۸۴)



بطور خلاصه با عنایت به یافته‌های این بخش می‌توان چنین استنباط نمود که در طی دوره زمانی مورد مطالعه، جایگاه و درجه برخورداری بخش عمده‌ای از صنایع کشور تغییر یافته است، به گونه‌ای که برخی از آنها مسیر بهبود را طی نموده و برخی دیگر در جهت عکس آن قدم برداشته‌اند. به عبارت دیگر توان تولیدی امری ثابت نمی‌باشند، بلکه با گذشت زمان، وضعیت فعالیت‌های صنعتی، دچار تغییراتی می‌گردد.

پیشنهادهای

با توجه به نتایج این مقاله می‌توان گفت صنایعی که در فهرست اولویت اول قرار گرفته‌اند عمدتاً دارای ساختارهای قوی‌تری نسبت به سایر گروه‌های اولویت‌دار می‌باشند و می‌توانند در کوتاه‌ترین زمان با توجه به امکانات موجود بیشترین بازدهی را ایجاد نموده و از لحاظ تجاری نیز جهش صادراتی را تسریع می‌نمایند لذا تقویت بنیه تولیدی این صنایع تحت فهرست اولویت اول از طریق تخصیص اعتبارات و تسهیلات بانکی در مرحله‌ی اول خود نوعی تخصیص بهینه منابع سرمایه‌ای در جهت ایجاد تحرک توسعه صادرات صنعتی است و در مرحله دوم عامل افزایش اشتغال منابع تولید و نیروی انسانی و افزایش درآمد سرانه می‌باشد.

فهرست اولویت اول سرمایه‌گذاری صنعتی، ضمن آنکه راهنمایی است برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی جهت تمرکز بیشتر سرمایه‌گذاری در این فعالیت‌ها، همچنین راهنمایی است برای بخش دولتی که از توسعه سرمایه‌گذاری‌های بیشتر و غیر کارا با مدیریت‌های دولتی در این گروه از فعالیت‌ها بپرهیزد و رفته رفته از حیطه انحصار آمیز خود در بعضی از این گروه فعالیت‌ها بکاهد.

فهرست صنایع اولویت دوم از حیث شاخص‌های مورد بررسی بعد از صنایع گروه اول از جایگاه خوبی در ساختار صنعتی کشور برخوردار بوده و از طریق تخصیص منابع به سوی این صنایع و رفع تنگناها و مشکلات فرا روی توسعه آنها می‌توان در کوتاه مدت بر توان تولید صنعتی کشور و تقویت جایگاه بخش صنعت کشور بیفزاید.

فهرست اولویت سوم بعد از صنایع دارای اولویت اول و دوم با توجه به شاخص‌های منتخب در این تحقیق واقع می‌شوند و گسترش و توسعه این گروه از صنایع در کشور قابل توصیه می‌باشد و تقویت و بهبود جایگاه آنها در کشور مستلزم سرمایه‌گذاری فراوان و برنامه‌ریزی بلند مدت می‌باشد.

صنایع واقع در گروه اولویت چهارم از عملکرد مناسبی در کشور برخوردار نبوده‌اند و باید توجه داشت که رشد و توسعه رشته فعالیت‌هایی از این گروه که با توجه به شرایط کشور فاقد توجیه اقتصادی هستند، به جزء اتلاف منابع دستاوردهایی برای اقتصاد کشور به همراه نخواهد داشت ولی چنانچه توسعه اینگونه از صنایع در کشور مد نظر باشد ضرورت دارد بررسی‌های بیشتر اقتصادی و مالی در این زمینه انجام گیرد.

